

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء (س)
سال سی و چهارم، دوره جدید، شماره ۶۴، پیاپی ۱۵۴، زمستان ۱۴۰۳
مقاله علمی - پژوهشی
صفحات ۷۵-۹۹

بررسی دستاوردها و موانع جایگاه و نقش زنان در توسعه اقتصادی محمدرضا شاه پهلوی^۱

زهرا زرگری^۲، مرتضی دهقان نژاد^۳، علی اکبر کجیاف^۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۲۱

چکیده

زنان در طول تاریخ منشأ تحولات زیادی در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بوده‌اند. در این راستا، در دوره پهلوی دوم، اقدامات و سیاست‌های دولتی عامل تسهیل‌کننده و بازدارنده در جایگاه و نقش زنان تلقی می‌شدند. از این منظر، مقاله حاضر با رویکرد توصیفی-تحلیلی، درصدد پاسخ‌گویی به این سؤال است که دستاوردها و موانع دوره محمدرضا شاه، به‌ویژه بعد از انقلاب سفید در رابطه با نقش و جایگاه زنان در توسعه اقتصادی چگونه بوده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد: اولاً محمدرضا شاه با سیاست مدرنیزاسیون تلاش می‌کرد سهم زنان را در عرصه اقتصادی افزایش دهد؛ دوم این که زنان توانستند دستاوردهای مثبت زیادی به‌واسطه اقدامات نوسازانه حکومت پهلوی، به‌ویژه در توسعه و رونق اقتصادی کشور کسب کنند که نمود آن در استقلال اقتصادی، گسترش سطح آموزش و افزایش اشتغال زنان تعیین یافت؛ سوم، نشان داده می‌شود که سیاست متمرکز و پدرسالارانه محمدرضا شاه در عرصه حکومت‌داری تأثیر منفی در رابطه با جایگاه و نقش زنان در جامعه داشته است. به‌گونه‌ای که به دلایلی نظیر تأکید بر سبک زندگی غربی و عدم توجه به سنت‌ها و

۱. شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/hii.2025.48673.2979

۲. دانشجوی دکتری، گروه تاریخ، دانشکده ادبیات، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران:

ziba.zargari71@gmail.com

۳. استاد گروه تاریخ، دانشکده ادبیات، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول):

m.dehghan8@ltr.ui.ac.ir

۴. استاد گروه تاریخ، دانشکده ادبیات، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران: kajbaf@ltr.ui.ac.ir

داوری مقاله مرحوم دکتر کجیاف، پیش از فوت وی صورت گرفته است.

- مقاله برگرفته از رساله دکتری با عنوان «نقش زنان در توسعه اقتصادی عصر پهلوی دوم؛ تحلیل تاریخی دستاوردها و موانع (۱۳۵۷-۱۳۴۱) دانشگاه اصفهان است.

ارزش‌های مسلط جامعه، تبعیض جنسیتی و مغایرت میان نظر و عمل در رابطه با زنان، نوسازی سطحی و عدم توجه به لایه‌های پایین جامعه و ساخت متمرکز قدرت سیاسی، موجبات نارضایتی اکثر زنان را در جامعه فراهم کرده که به عرصه‌ای برای وقوع انقلاب اسلامی تعین یافت.

کلیدواژه‌ها: محمدرضا شاه، زنان، مدرنیزاسیون، دستاوردها و موانع، توسعه اقتصادی.

مقدمه

مطالعه اسناد و منابع تاریخ معاصر نشان‌دهنده آن است که وضع زنان در دو دهه اول حکومت محمدرضا شاه چندان تفاوتی با دوره پیشین ندارد. در این دوران تنها نمود زنان در جامعه در شکل توده‌ای آن حمایت‌های بی‌دریغ از نهضت ملی‌شدن صنعت نفت و حکومت ملی و خصوصاً حضور همه‌جانبه زنان در کنار مردان در قیام تاریخی سی‌ام تیر ۱۳۳۱ بوده و در شکل سازمانی تشکیلاتی شاید به جرئت بتوان گفت تنها در «تشکیلات دموکراتیک زنان» وابسته به حزب توده بود که فعالیت‌هایی را در جهت اهداف حزب توده انجام می‌دادند. این تشکیلات بعداً به نام «سازمان زنان» نشریه‌ای به نام *جهان زنان* را منتشر می‌نمود و برخی اعضای آن معتقدند که سازمان کاملاً مستقل از حزب توده و «هدف آن گرفتن حقوق زنان و دفاع از آن‌ها بود» (رهبری، ۱۳۸۴: ۱۷۶). با افزایش درآمد حاصل از فروش نفت، به‌ویژه در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ شمسی، روند مدرنیزاسیون از سوی محمدرضا شاه به‌واسطه انقلاب سفید، سرعت بیشتری پیدا کرد. در این راستا، اصلاحات گسترده‌ای در رابطه با حضور و جایگاه اقتصادی زنان در توسعه مدنظر شاه صورت گرفت، به‌گونه‌ای که تلاش شد تا از بالندگی زنان در جامعه بهره گرفته شود که نوید ارتقای جایگاه و نقش زنان را به مردم می‌داد.

البته ماهیت استبدادی و خودکامگی محمدرضا شاه در جلب اعتماد زنان به‌منظور مشارکت در جامعه تأثیر منفی گذاشت و نظام را وارد مرحله بحران مشروعیت نمود. این موضوع چالش‌هایی را برمی‌انگیزد و بررسی جایگاه زنان را در دوره پهلوی دوم ضروری می‌نماید. اهمیت این موضوع تا آنجا است که تاکنون، مقاله یا تحقیقی نبوده است که به‌طور ویژه بتواند از منظر سیاست‌گذاری دوره پهلوی دوم، نقش زنان را در توسعه اقتصادی مورد ارزیابی قرار دهد و عواقب این اقدامات و سیاست‌ها را در قبال زنان به‌بوتۀ آزمایش قرار دهد. در این زمینه، اغلب تحقیقات صورت گرفته به موضوع حقوق اجتماعی زنان اکتفا کردند (سادات و عامری، ۱۳۹۷؛ نوری و مسیب‌نیا فخبی، ۱۳۹۶؛ Tohidi, 2016؛ Kia, 2005) یا تلاش شده است تا به بررسی جامعه‌شناختی مسائل امنیتی بپردازند (اختر شیری، ۱۳۹۸).

در یک مورد خاص نیز، صدقی تلاش کرد تا پاسخ‌گوی چرایی بی‌حجابی زنان از سال ۱۳۲۵ تا ۱۳۵۷ و باحجابی آن‌ها پس از انقلاب ۱۳۵۷ باشد. وی دانش جدیدی در مورد کارگزاری زنان در رابطه با قدرت دولتی ارائه می‌دهد. او در این تحلیل، اختلاف بر سر زنان را در مرکز مبارزه سیاسی بین نیروهای سکولار و مذهبی قرار می‌دهد و نشان می‌دهد که کنترل بر هویت، جنسیت و کار زنان در تثبیت قدرت دولتی نقش اساسی داشته است (Sedghi, 2007).

به‌طور کل، اکثر مقالات و کتاب‌ها، جایگاه زنان را به‌صورت تک بعدی از حیث اجتماعی و سیاسی مورد بررسی قرار داده‌اند و نگاه سلبی به سیاست‌های دولتی نسبت به حقوق زنان داشته‌اند. تفاوت مقاله حاضر با آثار فوق در این است که اولاً به سیاست مدرنیزاسیون محمدرضا شاه در ارتباط با زنان و پیامدهای آن اشاره می‌کند؛ ثانیاً فرصت‌های اقتصادی ناشی از این سیاست‌ها را در رابطه با زنان تبیین می‌نماید. درعین حال، چالش‌ها و نارسایی‌های زنان را به‌واسطه سیاست‌های دولتی مورد بررسی و واکاوی قرار می‌دهد و در نهایت به مقابله زنان با تجددگرایی می‌پردازد.

بدین‌سان، پژوهش حاضر با هدف شناسایی و بررسی جایگاه و نقش زنان در توسعه اقتصادی پهلوی دوم است که با رویکرد توصیفی، تحلیلی صورت گرفته است و درصدد پاسخ‌گویی به این سؤال اصلی است که دستاوردها و چالش‌های زنان در توسعه اقتصادی دوره پهلوی دوم چگونه بوده است. با توجه به تمرکز عمده مقاله بر زنان شهری، از زاویه جامعه‌شناسی و در گستره تاریخی فرض اساسی پژوهش عبارت است از این که بازسازی، اصلاح و پیشرفت جامعه در دوران محمدرضا شاه، فرصت‌هایی نظیر استقلال اقتصادی، تقسیم کار جنسیتی نوین، آموزش فراگیر زنان به‌منظور مشارکت در حیات اقتصادی جامعه و افزایش اشتغال و حضور در بازار کار، به‌ویژه در بخش خدمات و صنعت را فراهم آورد، اما به‌دلیل تأکید بر سبک زندگی غربی و عدم توجه به سنت‌ها و ارزش‌های مسلط جامعه، تبعیض جنسیتی و مغایرت میان نظر و عمل در رابطه با زنان، نوسازی سطحی و عدم توجه به لایه‌های پایین جامعه و ساخت متمرکز قدرت سیاسی که منتج به عدم مشارکت آزادانه زنان گردید، چالش‌ها و موانعی را در جایگاه زنان تعیین بخشید و رژیم پهلوی را گرفتار بحران مشروعیت نمود که زمینه‌ساز حضور و مشارکت گسترده زنان در انقلاب اسلامی شده است.

وضعیت و جایگاه زنان در دوره محمدرضا شاه

دهه ۱۳۴۰ سرآغاز تغییراتی در اصول اجتماعی و سیاسی در بسیاری از نقاط جهان مانند فرانسه، انگلیس و آمریکا بود. هسته اصلی این تغییرات ارتقای حقوق زنان دهه ۱۳۴۰ تحت

حکومت محمدرضا پهلوی، از طریق طرح اصلاح طلبانه خود به نام «انقلاب سفید» بود (Farzaneh, 2014: 212). به طور خاص در ۱۳۴۱ محمدرضا شاه در راستای سلسله اصلاحات خود، مستقیماً زنان را هدف گرفته و برای آن‌ها خواهان حقوق سیاسی برابر شد. اصل پنجم «انقلاب سفید» سرانجام قوانین انتخاباتی سال ۱۲۸۸ که زنان را - همراه با افراد دیوانه و خردسالان - از انتخاب شدن در مجلس و حق انتخاب نمایندگان خود محروم می‌کرد، اصلاح شد تا حق رأی زنان به رسمیت شناخته شود (Bakhshizadeh, 2018: 65). قانون حمایت از خانواده به طور قابل توجهی مورد اصلاح قرار گرفت. طبق این قانون طلاق خارج از دادگاه لغو شد. قانون برای تعدد زوجات مجوز قضایی لازم داشت که تنها در شرایط محدودی اعطا شد. علاوه بر این، هم زنان و هم مردان می‌توانستند تحت شرایط خاص درخواست طلاق کنند (Farzaneh, 2014: 215). در سال‌های بعد، شاه برنامه‌های انقلاب سفید خود را گسترش داد که به فارغ‌التحصیلان زن اجازه می‌دهد در آموزش و پرورش و سپاه بهداشت خدمت کنند (Mahdi, 2004: 432).

طبق سند تاریخی، در بخشنامه‌ای که وزارت کشور برای استانداری‌ها ارسال کرد، آمده است: «نظر به اهمیت برنامه انقلابی خدمات اجتماعی زنان و وظیفه‌ای که در باروری این نهال مقدس به عهده مأمورین وزارت کشور در سطح استان و شهرستان و بخش‌ها محول است، می‌بایست کوشش تازه در زمینه رستاخیز فرهنگی و اجتماعی صورت گیرد. از فروردین ۱۳۴۸، دو هزار دختر سپاه دانش که دوره تعلیمات را به پایان رسانده‌اند، جهت انجام وظایف و ادای دینی که نسبت به شاه و وطن خود دارند، به روستاها گسیل خواهند شد.

با این حال، می‌بایست، نهایت توجه و دقت را در تعیین محل خدمت دختران سپاهی که حائز کمال اهمیت است، به عمل آورند و نیز بایستی نسبت به ساختمان اجتماعی محل خدمت و پذیرا بودن محیط از نظر ترکیب جمعیت و وسایل آسایش و امنیت دختران و برخورداری از امکانات زندگی مناسب از قبیل مسکن - مایحتاج اولیه - نزدیکی به شهر - داشتن وسیله ایاب و ذهاب... عمیقاً توجه شده و بررسی‌های لازم را قبلاً به عمل آورند» (وزارت کشور، ۱۳۴۷: شماره ۲۲۸۵۵)

شاه با اعلام این که اصلاحات او مصداق «عدالت و برابری» است، ادعا کرد که این اصلاحات با «دین واقعی اسلام» سازگار است. از طریق حق رأی زنان و سیاست‌های جنسیتی، شاه موضع مدرنیزاسیون خود را به ویژه در غرب ترویج کرد. در این راستا، یکی از شعارهای اصلی جنبش زنان «تغییر برای برابری» بوده است. از این رو، یکی از اقدامات زنان تأکید بر اصلاحات قانونی، حقوق مدنی و سیاسی بوده است. به طوری که مبارزات زیادی را علیه

قوانین، سیاست‌های تبعیض‌آمیز و آداب‌ورسوم سنتی صورت داد (Tohidi, 2016: 79). از این منظر، می‌توان استدلال نمود که دولت از اوایل دهه ۱۳۴۰ تا انقلاب ۱۳۵۷ به‌عنوان یک نیروی غالب در تنظیم و ایجاد تغییر در اقتصاد عمل می‌کرد. به طوری که از نظر اجتماعی و اقتصادی، به‌دنبال تحول اقتصادی از طریق ترویج رشد و سرمایه‌داری در مناطق روستایی و شهری و با تقویت مشارکت مشاغل خارجی و داخلی در پروژه‌های توسعه بوده است. مقاله حاضر در ادامه تلاش می‌کند تا جایگاه اقتصادی زنان را در دوران محمدرضا شاه، بررسی کند.

نقش زنان در اقتصاد دوران محمدرضا شاه (دهه ۴۰ و ۵۰ شمسی)

محمدرضا شاه در پی بازسازی، اصلاح و پیشرفت جامعه در جهت توسعه اقتصادی بود. براین اساس، در سال ۱۳۴۱ یکی از مهم‌ترین برنامه‌های توسعه اقتصادی اجتماعی در تاریخ ایران یعنی انقلاب سفید ارائه شد. شاه که به توسعه ایران علاقه‌مند بود، به‌دنبال مدرن‌سازی جامعه بود که چشم‌انداز او از «تمدن بزرگ» محسوب می‌شد. در تابلوی مدرنیزاسیون شاه، او مانند ناپلئون، امپراتور ایران خواهد بود. در واقع، برخلاف پدرش، محمدرضا شاه می‌خواست که برنامه‌های او برای اکثریت قریب به اتفاق ایرانیان در سراسر کشور تأثیرگذار باشد (Sedghi, 2007: 104). این تصور او از نظم جدیدی بود که موفقیت‌آمیز محسوب می‌شد. در این زمینه، محمدرضا شاه اعتقاد داشت:

«تأثیر این حرکت در آینده آن‌قدر بزرگ خواهد بود که فکر می‌کنم ضرورت این دستور برای همه آشکار خواهد بود... نسل‌های بعدی در محیطی زندگی خواهند کرد که امیدوارم با بالاترین استانداردهای اجتماعی برابر و قابل مقایسه در هر کجای کره زمین باشد... بنابراین در این جاده زنان آزاد ایران باید به سمت آینده حرکت کنند.» این تصور از آینده، فقط یک ایدئولوژیک نبود، بلکه یک بهشت مادی نیز بود: «درآمد شما باید جوری باشد که خودت و خانواده‌ات هیچ نیازی نداشته باشی و تصور کنی که خانه خوبی خواهید داشت» (Ansari, 2001: 13).

در این راستا، مجله زن روز برای دولت و رژیم پهلوی و تلاش در راستای تبلیغ و ترویج ایده‌های آن‌ها تلاش زیادی متحمل می‌شد. گواه این مدعا این است که در اولین شماره مجله با پیام فرح منتشر شد. وی در این پیام با اظهار خوشوقتی از انتشار این مجلات پیشرو اظهار امیدواری کرد که زن ایرانی بتواند همگام با مرد در جامعه به‌صورت فعال ظاهر شود و همانند سایر کشورهای مرفه دنیا، شغل‌های متعدد را عهده‌دار شده و در ساختن جامعه و مدنیت نوین کشور، دین خود را ادا نماید (زن روز به نقل از روزنامه کیهان، ۱۳۴۳، ۱۲، ۸).

به‌هرحال اقدامات دولت در سطح اقتصاد شرایطی را برای خودنمایی زنان در عرصه اقتصاد و بازار کار پدید آورد که تحت این شرایط، زنان توانستند به فرصت‌هایی نظیر استقلال اقتصادی، تقسیم کار جنسیتی، گسترش آموزش و افزایش اشتغال و حضور در بازار کار دست پیدا کنند که در ذیل به بررسی آن‌ها می‌پردازیم:

۱. استقلال اقتصادی

در مدت یک دهه، «سازمان زنان ایران» به حدی رشد کرد که دارای ۳۴۹ شعبه، ۱۱۳ مرکز و ۵۵ سازمان فعال شده بود. صرف‌نظر از ارتباط با دولت، در آن سال‌ها این سازمان نقشی در ارتقای حقوق زنان داشت. در این دوره، فعالان زن دوباره جذب کار برای سازمان زنان ایران شدند و در پروژه‌ها و طرح‌های دولتی فعال شدند. برنامه‌های توسعه زنان در زمان محمدرضا شاه بدون شک تأثیر شایسته‌ای در توانمندسازی زنان و ارتقای توانایی‌ها و نقاط قوت زنان داشته است. موضوعی که از آن به‌عنوان «دولت فمینیسم» یاد می‌شود و ناشی از فعالیت‌های مستقل جنبش زنان بود که توسط دولت تبلیغ شده بود (Moghaddam, 2019: 53).

ماده ۱ سازمان زنان ایران در قانون اساسی آمده است که «هدف و مأموریت نهایی سازمان زنان ایران ارتقای سطح فرهنگی، اجتماعی و دانش اقتصادی زنان ایران است و آن‌ها را نسبت به خانواده، اجتماع، حقوق، وظایف و مسئولیت‌های اقتصادی آماده کند» (Kia, 2005: 239). در این راستا، رئیس سازمان زنان ایران اظهار داشت که «چارچوبی را برای فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی زنان فراهم خواهد کرد». شاه وظیفه سازماندهی زنان را تحت حمایت دولتی بر عهده گرفت و سازمان زنان ایران را با ریاست، خواهر دوقلویش تأسیس کرد. در واقع پادشاه انتظار داشت که هدف مترقی این است که زنان را تا حد امکان برای پیشرفت ایران آماده کند (Sedghi, 2007: 135).

اگرچه سازمان زنان به‌طور رسمی و زیر نظر دولت قرار داشت، تلاش‌های قابل توجهی انجام داد و کارهای ارزنده‌ای در زمینه تحقیقات، انتشارات، جذب مشارکت سیاسی و سواد انجام داده بود. تا آنجا که بیشتر تمرکز آن بر حضور زنان در جامعه و اشتغال در کار و توانمندسازی زنان در این حوزه‌ها در اولویت قرار داشت. علاقه زنان در یافتن شغل و استقلال اقتصادی قابل توجه بود. در ارتباط با اشتغال زنان، افخمی، دبیرکل سازمان زنان ایران طبق یک نظرسنجی بیان می‌کند: برخلاف دیدگاهی که وجود داشت و حدس و گمان ما مبنی بر این که هدف اول، بهبود وضعیت زنان در ایران، تغییر قوانین و به‌ویژه تغییر در قوانین خانواده بود، نتیجه نظرسنجی نشان داد که اساسی‌ترین دغدغه زنان استقلال اقتصادی بود. آن‌ها دائماً این موضوع را مطرح می‌کنند که استقلال اقتصادی، اساس آزادی مطلق است و

بر تمام حقوق ما تأثیر می‌گذارد. با این که، تغییر قانون برای زنان مهم بود، اما معتقدند که چنین تغییراتی، مانند تغییر قانون برای حقوق برابر با مردان در طلاق یا حضانت فرزند، بدون استقلال اقتصادی عملی نخواهد شد (Moghaddam, 2019: 54).

اهمیت این موضوع تا آنجاست که بسیاری از زنان تحصیل کرده به استقلال اقتصادی خود که باعث تحرک اجتماعی‌شان شده است، افتخار می‌کردند؛ برای آن‌ها، زندگی یک زن حرفه‌ای از آنچه مادرانشان در خانه تجربه کرده بودند، آزادتر بود (Sedghi, 2007: 146). موضوعی که به نظر می‌رسد با رضایت نسبی زنان همراه شده بود و به عرصه‌ای برای تلاش مداوم آن‌ها در توسعه اقتصادی پهلوی دوم متعین گردید.

۲. تقسیم کار جنسیتی نوین

در نگاه تاریخی، تقسیم کار براساس جنسیت شکل گرفته و فعالیت‌های اقتصادی نقش مؤثری را در تقسیم کار جنسیتی ایفا کرده است و باعث پدیداری تمایزات شغلی گردیده است. باتوجه به اقدامات پهلوی دوم و تحت تأثیر فضای جدید اقتصادی، زنان توانمند شدند و از کنترل بر زندگی و تمایلات جنسیتی خود برخوردار شدند. در واقع اشتغال به زنان، به‌ویژه به زنان طبقات متوسط و بالا، در روابط زناشویی خود استقلال می‌داد.

درعین حال، گشایش اقتصادی سبب گردید تا روابط خانوادگی زنان طبقه پایین که اغلب از روی ناچاری کار می‌کردند، در جهت منصرف کردن زنان از فحشا کمک می‌کرد (Brooks, 2008: 50). سیاست‌های انقلاب سفید در تلاش برای تسهیل مشارکت زنان به مسائل جنسیتی در بازار کار پرداخت. در نتیجه اصلاحاتی در زمینه طلاق، حضانت فرزند و تعدد زوجات در این دوره انجام شد.

قانون حمایت از خانواده در سال ۱۳۴۶ توسط مجلس تصویب شد و قوانین مدنی به نفع زنان تغییر یافت. طلاق منوط به تأیید دادگاه شد و زنان نیز مانند مردان حق دارند که دعوای طلاق را آغاز کنند. دادگاه نیز اختیار بر حقوق حضانت کودک را پذیرفت، البته تعدد زوجات به‌طور کامل غیرقانونی نبود، اما اختیار کردن زن دیگر به تأیید همسر مرد اول نیامند بود (Abercrombie, 2019: 18).

در این راستا، سیاست‌های دولتی و توسعه اقتصادی توانست، تقسیم کار جنسیتی سنتی را باتوجه به توسعه ایران به چالش بکشد. در این زمینه، شاه زنان را تشویق کرد که خانه را برای بازار کار ترک کنند. علاوه بر این، با انگیزه به تصویر کشیدن دولت مدرن برای غرب، شاه اعلام کرد که برای پاسخگویی به بخشی از تقاضای نیروی کار، باید استفاده بیشتری از جمعیت عظیم زنان موجود صورت گیرد. «وی اعلام کرد که امکانات [بیشتر] برای کار پاره‌وقت...

استفاده کامل‌تر از زنان خانه‌دار را امکان‌پذیر می‌کند و فرصت ایفای نقش شایسته در کار بازسازی اجتماعی را حتی در حین اداره و نظارت بر خانه فراهم می‌کند. زنان نیروی بزرگی می‌سازند که مشارکت مؤثر آن در فعالیت‌ها لازمه توسعه و پیشرفت است (Brooks, 2008: 50). از این منظر می‌توان استدلال نمود که تلاش محمدرضا در همانندسازی جامعه زنان در ایران با الگوبرداری از غرب، توانست با آماده‌سازی و اصلاح مسائل جنسیتی، از زنان به‌عنوان نیروی کارآمد در اشتغال بهره‌گیرد و مسیر مدرنیزاسیون خود را بپیماید.

۳. گسترش سطح آموزش زنان به‌مثابه یک پارامتر اقتصادی

یکی از عوامل مؤثر در دستیابی به توسعه، سرمایه‌گذاری برای آموزش زنان در هر جامعه‌ای است. چنانچه در هر جامعه‌ای، نرخ مشارکت زنان در دانشگاه‌ها افزایش یابد، نشانه‌ای از توسعه هر کشور محسوب می‌شود و زنان با افزایش سطح تحصیلات، می‌توانند نقش‌های اقتصادی مؤثرتری ایفا کنند که متعاقباً روند توسعه پایدار کشور تضمین می‌شود؛ از این‌رو می‌توان استدلال کرد که بالا رفتن سطح تحصیلات زنان، موجبات گسترش مشارکت اقتصادی و اجتماعی آن‌ها را در جامعه فراهم می‌کند.

به گفته افخمی، «آموزش به معنای وسیع، مهم‌ترین وسیله‌ای است که می‌توانست «تغییر» و «استقلال اقتصادی» را به ارمغان آورد و یکی از اولین اولویت‌ها و اساس دستیابی به سایر حقوق محسوب می‌شود»؛ بدین ترتیب، برنامه‌های ویژه برای مبارزه با بی‌سوادی در میان زنان روستایی صرفاً مورد تقاضا نبود، بلکه اصل بر حق زنان برای تحصیل، به‌عنوان وسیله ضروری مدرنیزاسیون بود (Kia, 2005: 239). با توجه به این موضوع، آموزش زنان ایرانی از دهه ۱۳۴۰، ابتدا شامل مشارکت زنان در جامعه بوده است.

باین وجود، میزان باسوادی تحت تأثیر سیاست مدرنیزاسیون، به‌طور مداوم در حال رشد بوده است (Rahbari, 2016: 1005). به‌طوری‌که نمونه‌های اعلای زنان موفق را تحصیل و سواد آنان شکل می‌داد و حتی نمونه‌های موفق زنان غربی نیز از این قاعده پیروی می‌کرد؛ مثلاً نشریه *آزادی زنان* در شماره دوم، ضمن چاپ عکس میسس هاشبی، رئیس کنگره انترناسیونال زنان حقوق‌طلب آمریکا، او را فاضل و دانشمندترین بانوان نیویورک معرفی کرده که فرزندان لایق تحویل جامعه داده است؛ چراکه «مادری که خود در گرداب جهالت و نادانی غوطه می‌خورد چگونه می‌تواند فرزندان خود را راهنمایی کرده، مردان کاردان و آگاه تربیت نماید» (آزادی زنان، ۱۳۲۳، شماره ۲: ۱۰).

در این زمینه، افزایش درآمد حاصل از فروش نفت نیز به تسریع روند آموزشی زنان کمک کرد. به طوری که استدلال می‌شود، «به لطف درآمد نفت، استاندارد زندگی قابل احترامی، به ویژه سواد بالا، ثبت نام چشمگیر زنان را در دانشگاه به ارمغان آورده است» (Abrahamian, 2008: 194). با افزایش درآمدهای نفتی، دولت سرمایه‌گذاری قابل توجهی در بخش آموزش کرد که نسبت به سایر خدمات اجتماعی اولویت یافت.

در بودجه سال ۱۳۵۱ برنامه پنجم، یعنی سال قبل از انفجار عواید نفت، هزینه جاری برای آموزش بیش از ۸ درصد کل هزینه جاری بود؛ هزینه عمرانی آموزش ۱۰ درصد کل هزینه عمرانی بود و کل هزینه آموزش ۹ درصد کل بودجه برنامه پنجم را شامل می‌شد. با انفجار عواید نفت بودجه‌های آموزشی در شمار مواردی بود که به‌راستی دو برابر شد (کاتوزیان، ۱۳۷۲: ۳۳۵). در این زمینه، تعداد مؤسسات آموزشی رشد قابل ملاحظه‌ای داشتند. به طوری که ثبت نام در مهدکودک‌ها از ۱۳۳۰۰ به ۲۲۱۹۹۰، در مدارس ابتدایی از ۱،۶۴۰،۰۰۰ تا ۴،۰۸۰،۰۰۰ در مدارس متوسطه از ۳۷۰،۰۰۰ تا ۷۴۱،۰۰۰ در هنرستان‌های حرفه‌ای از ۱۴۲۴۰ تا ۲۲۷،۰۰۰ و در دانشگاه‌ها از ۲۴۸۸۵ تا ۱۴۵۲۱۰ و در دانشگاه‌های خارج از کشور از ۱۸۰۰۰ تا ۸۰۰۰۰ افزایش یافت (Abrahamian, 2008: 134).

تا آنجا که در دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ شمسی، زنان بیشتری در ایران باسواد شدند. به طوری که نرخ باسوادی زنان از کل جمعیت زن و به‌طور مشابه، نرخ باسوادی زنان شهری رو به فزونی گذاشت؛ از این رو، به نظر می‌رسد که اگر دولتی درصدد افزایش سطح مشارکت اقتصادی زنان در جامعه باشد، یکی از پارامترهای آن بهینه‌سازی سطح آموزش در سطوح عالی است که این موضوع در دوره پهلوی دوم به لطف افزایش درآمد نفتی به اجرا درآمد.

جدول ۱. نرخ باسوادی زنان (Sedghi, 2007: 121)

۱۳۵۰	۱۳۴۵	۱۳۳۵	سال	نرخ باسوادی زنان از کل جمعیت زن
۲۶,۳	۱۷,۴	۸	درصد	
۱۳۵۰	۱۳۴۵	۱۳۳۵	سال	نرخ باسوادی زنان شهری
۴۹,۴	۳۸,۳	۲۲,۴	درصد	

بدین سان، زنان فعال در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ شمسی، دسترسی بیشتری به آموزش عالی و بهتر داشتند (Brooks, 2008: 52) و حق آموزش را اساس آزادی زنان می‌دانستند. در این زمینه، زنان تحصیلکرده نخبه توانستند به سمت‌های بالاتر در جامعه مانند وزیر آموزش و پرورش راه پیدا کنند. این موضوع در دوران پهلوی نشان می‌دهد که آموزش زنان را قادر می‌سازد، مبنایی

برای مشارکت بیابند (Mottaghi, 2015: 15 & 19). این موضوع نشان‌دهنده آن است که محمدرضا شاه با درکی صحیح از ارتباط مستقیم میان توسعه اقتصادی و افزایش نرخ باسوادی، شرایط لازم را برای تحصیل و آموزش زنان فراهم ساخت. این اقدام در راستای تحقق اهداف او در مسیر مدرنیزاسیون صورت گرفت. به بیان دیگر، رشد اقتصادی کشور به سطحی رسید که زمینه‌ساز افزایش نرخ باسوادی زنان در جامعه گردید.

۴. افزایش اشتغال زنان و حضور در بازار کار

«انقلاب سفید»، تغییرات قابل توجهی در قانون حمایت از خانواده و ارائه خدمات رفاهی و آموزشی برای زنان و نوسازی ایران ایجاد کرد. در نتیجه و از میان این تغییرات، فرصت‌های شغلی برای زنان افزایش یافت. زنان تحصیل کرده‌تر فرصت‌های شغلی در بخش‌های آموزش و بهداشت پیدا کردند، زنان کمتر تحصیل کرده از فرصت‌های شغلی در صنایع دستی سنتی بهره‌مند شدند. به‌طور خاص، زنان در مناطق روستایی به کار فرش و صنایع دستی یا به‌عنوان فروشنده در مناطق شهری مشغول بودند. اکثریت زنان روستایی به‌عنوان کارگر خانواده بدون مزد در مزارع خانوادگی یا مشاغل قالی‌بافی مشغول به کار بودند (Taheri and et al, 2021: 4). همچنین، زنان موفق شدند در راستای ادغام در نقش‌های عمومی مانند وزیر، اعضای کابینه، سفیران و اساتید دانشگاه عمل نمایند. در سال ۱۳۴۸، هفت زن برای اولین بار به‌عنوان قاضی انتخاب شدند. علی‌رغم این که زنان از حق رأی برخوردار بودند، قانون حمایت از خانواده تصویب شد و همچنین تعدادی از زنان به مناصب مهم سیاسی دست یافته و ریاست آن را بر عهده گرفتند، اما عموماً از نظر فکری با مردان برابر نبودند. حتی شاه در مصاحبه‌ای در سال ۱۳۵۶ بیان کرد: «همیشه می‌توانید برخی استثناها را داشته باشید و زنان فوق‌العاده را پیدا کنید» (Farzaneh, 2014: 216)؛ از این رو، به نظر می‌رسد که انقلاب سفید توانسته بود با ارائه راهکارها و اصلاحات بنیادی در روابط میان زنان و مردان، زمینه‌های اشتغال و حضور بانوان را در محیط کار تسهیل نماید تا بتواند زمینه‌های توسعه اقتصادی را به ارمغان آورد.

تحت چنین شرایطی، دولت از طریق مداخله فعال خود، قوانین خانواده را تغییر داد، سکولاریزاسیون بیشتر را تشویق کرد و نگرش‌های لیبرالی را نسبت به ظاهر عمومی زنان پرورش داد. به‌ویژه، در رابطه با روابط جنسیتی، مشاغل مختلط را زمانی که صنعتی شدن سرمایه‌داری در راه بود، ترویج پیدا کرد. در این راستا، نیروی کار ایران از سال ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۵ به‌طور قابل توجهی گسترش یافت.

زنان دلایل مختلفی برای ترک خانه به‌منظور ورود به بازار کار داشتند. تعداد کمی از زنان

طبقه متوسط اشتغال را برای استقلال مالی، استفاده از امکانات آموزشی و به طور قابل توجهی، ساختن زندگی متفاوت از زندگی مادرانشان در نظر داشتند. برخی دیگر به دنبال کار با دستمزد برای تکمیل درآمد شوهران خود بودند که البته طبیعتاً مشروط به تأیید آنها نیز بود. در مقابل، زنان طبقه کارگر از هیچ گزینه‌ای استفاده نکردند. در واقع، زنان فقیر به منظور ضرورت حفظ معیشت خانوار و کمک به خانواده‌هایشان برای بقا وارد بازار کار شدند. آنها جایگزین کمتری نسبت به زنان ثروتمند داشتند.

بنابراین، تقسیم کار جنسیتی خانواده تغییر کرد، نه به این دلیل که مردان سعی در تقسیم کار داشتند، بلکه زنان شاغل به طور فزاینده‌ای بار بیشتری از مسئولیت کمک به درآمد خانواده‌ها را به عهده گرفتند. حمایت زنان برای زنانی که وارد نیروی کار شدند بسیار مهم بود. بسیاری از زنان طبقه متوسط، خدمتکارانی را برای انجام کارهای خانگی به صورت پاره‌وقت استخدام می‌کردند.

در اواخر دهه هفتاد، بسیاری از خدمتکاران سابق به بخش‌های روبه‌رشد صنعتی و خدماتی به عنوان منبع کوچک‌تری از کمک‌های خانگی پیوسته بودند، نه برای ثروتمندان، بلکه برای زنان طبقه متوسطی که فرزندان خود را به مهدکودک و پیش‌دبستانی می‌فرستادند. در صورتی که خدمتکاران یا مهدکودک‌ها غیر قابل دسترس بودند، زنان، متکی به شبکه‌های سنتی - عمدتاً بستگان و مادران - برای مراقبت و نگهداری از کودک خود بودند. تحت این شرایط، در دوران شکوفایی اقتصاد، بسیاری از زنان خود را به عنوان «خدمتکاران بی‌مزد» یاد می‌کردند (Sedghi, 2007: 111-113). به طوری که براساس آمار، تعداد نیروی کار زنانی که از نظر اقتصادی فعال بودند، افزایش پیدا کرد. اگرچه میان مشارکت نیروی کار زنان و مردان تفاوت وجود داشت، در نهایت آمارها نشان می‌دهند که درصد کل جمعیت فعال زنان در اقتصاد، نسبت به خودشان افزایش یافت.

جدول ۲. آمار نیروی کار در ایران در سال‌های مختلف (Sedghi, 2007: 113)

۱۳۵۵	۱۳۴۵	۱۳۳۵	سال	آمار نیروی کار زنان در ایران
۱۰ میلیون نفر	۷/۵ میلیون نفر	۶ میلیون نفر	زنان	
۱۳۵۵	۱۳۴۵	۱۳۳۵	سال	مشارکت نیروی کار زنان و مردان در اقتصاد ایران
۱/۴۵۲ میلیون	۹۹۹ هزار	۵۷۵ هزار	زنان	
			مردان	
۱۳۵۵	۱۳۴۵	۱۳۳۵	سال	درصد کل جمعیت نیروی فعال زنان و مردان در اقتصاد ایران
۱۳	۱۲	۹/۲	زنان	
۷۰	۷۷	۸۳	مردان	

به‌طور کل، نرخ نیروی کار شهری با افزایش چشمگیری روبه‌رو شد. تا آنجا که نیروی کار شهری در کشور از ۱,۸۹۳ میلیون در سال ۱۳۵۵ به ۲,۷۶۸ میلیون در سال ۱۳۴۵ و ۴,۲۹۴ در سال ۱۳۵۵ افزایش یافت. همچنین آمارها نشان می‌دهند که ۴۶ درصد از نیروی کار شهری از کل کارگران در ۱۳۴۵-۱۳۳۵، این رقم به ۵۵ درصد در ۱۳۵۵-۱۳۴۵ افزایش یافت. از نظر نیروی فعال اقتصادی، مردان شهری از ۱,۷۰۵ میلیون در سال ۱۳۴۵ به ۲,۴۴۹ میلیون در سال ۱۳۴۵ و ۳,۸۰۷ میلیون در سال ۱۳۵۵ رسیدند.

برای زنان شهری نیز، رشد ۱۸۷۰۰۰ نفری در سال ۱۳۳۵، به ۳۰۰۰۰۰ در ۱۳۴۵ و تقریباً ۵۰۰۰۰۰ در ۱۳۵۵ محاسبه شده است؛ بنابراین، مشارکت نیروی کار نیروی مردان شهری تقریباً سه برابر شد و در مقابل، شاهد افزایش دو و نیم برابری هم‌تایان زن بوده‌ایم که خود نشان از رشد اقتصادی و گسترش بازار کار شده بود (Sedghi, 2007: 113). این اشتغال زنان و ورود به نیروی کار به‌ویژه در بخش خدمات و صنعت به گونه‌ای بود که خیل عظیمی از زنان را در خود جای داده بود. به نظر می‌رسد از اقدامات مهم و اساسی کشور در دستیابی به اهداف مدرنیزاسیون، بهبود فضای کسب و کار در کشور بوده است.

موانع و چالش‌های پهلوی دوم در قبال زنان

ادغام ایران در بازار جهانی نه تنها منافع و نفوذ غرب را ترویج کرد، بلکه پروژه‌های اقتصادی و نظامی خود را پیگیری می‌کرد. طبق برنامه پنج ساله ۱۳۵۶-۱۳۵۲، ایران ۳۱ درصد از کل پول خود را به‌منظور توسعه ملی در مورد هزینه‌های نظامی و اطلاعاتی اختصاص داد. در این راستا، شاه ضمن ساختن یک ارتش قدرتمند، با ماشین‌های اطلاعاتی، به‌ویژه ساواک، سیاست‌هایی ارائه کرد که تغییراتی را در ساختار اقتصاد و بازار کار پدید آورد (Sedghi, 2007: 103)، موضوعی که نارسایی‌ها و چالش‌های مهمی برای توسعه و اشتغال زنان در برداشت که در ذیل به بررسی آن‌ها خواهیم پرداخت:

۱. تأکید بر سبک زندگی غربی و عدم توجه به سنت‌ها و ارزش‌های مسلط جامعه

از نتایج سیاست‌های اقتصادی محمدرضا شاه، دستیابی زنان به پول و آزادی اقتصادی بود که با فرهنگ مصرفی که مستلزم هزینه‌های بیشتر بود، همراه شد. با کاهش تولید کشاورزی، واردات مواد غذایی و تأکید فرهنگی جدید بر عادات غربی، خرید مواد غذایی بسته‌بندی شده یا از پیش ساخته شده، به جای تهیه غذای تازه در خانه رواج پیدا کرد که با ایدئال‌های غربی مطابقت داشت. این عمل ویژه در طبقات بالا برجسته‌تر بوده است. در واقع، برنامه اصلاحات شاه، زنان را از یک نیروی فعال‌تر و مسلط‌تر دور می‌کرد (Brooks, 2008: 51).

در ابتدایی‌ترین سطح، خارجی‌ها می‌توانند پیشرفت ایران را از روی وضعیت زنانش قضاوت کنند. این فرهنگ بر زیبایی‌شناسی تأکید داشت و شامل آرایش و دامن‌های کوتاه و مدهای اروپایی بود. در این زمینه، شاه بر بصری‌ترین جنبه‌های زندگی تأکید کرد تا زنان ایرانی بتوانند آن‌ها را به‌عنوان نمونه به بیرون و به‌ویژه جهان غرب معرفی کنند تا ثابت کند که ایران پیشرفت کرده است. از این منظر، محمدرضا شاه ادعا می‌کرد که او اصلاحات زنان و ایران را به جلو سوق داده بود (Brooks, 2008: 51).

به‌طوری که زنان طبقه متوسط و بالای شهرها، چادر خود را با شلوار گرم و جین جایگزین می‌کردند و دامن‌های کوچک و انواع دیگر لباس‌های غربی را در دانشگاه‌ها و در کنار زنان طبقه کارگری می‌پوشیدند (صمیمی، ۱۳۷۲: ۴۹). در واکنش به این وضعیت، یکی از نشریه‌های زنان با نگاهی انتقادی می‌نویسد:

زنان تحصیل‌کرده مفهوم تجدد را با تقلید کورکورانه از بعضی ظواهر زندگی خارجیان، خصوصاً آنچه روی پرده سینما می‌بینند یا در صفحات رمان‌ها می‌خوانند، اشتباه می‌گیرند. سیگار بر گوشه لب گذاشتن و دکولته پوشیدن دلیل تجدد نیست. اگر واقعاً ادعای فهم و کمال دارید، در راه خدمت مثبت به جامعه، از خود ابتکار و لیاقت نشان دهید (اطلاعات بانوان، ۱۳۳۷: ۱).

درواقع، کمپین بی‌حجابی دولت‌گرایان، زنان را آزاد نکرد. بلکه منجر به انقیاد مضاعف مدرنیزاسیون سکولار پهلوی و به حاشیه رانده شدن زنان مذهبی شده بود و انگ سنتی، عقب‌مانده و غیرمتمدن را به آن‌ها زده بود (Sadeghi, 2010: 213). این در حالی بود که گروه‌های مذهبی اشتغال زنان در خارج از خانه را مغایر با عفت و شرایع مذهبی تلقی می‌کردند و از این طریق، بر اعتراض‌های مردان دامن می‌زدند (روزنامه باختر، ۱۳۲۰: ۳). همچنین، علم‌گرایی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های مدرنیته، به‌خصوص با ارجاع به کشورهای فرانسه، آمریکا و انگلیس، بسیاری از روش‌های سنتی مرسوم در جامعه ایرانی را به باد انتقاد قرار داد.

«بله هرکس می‌تواند مادر شود ولی نمی‌تواند کودک تربیت کند. اگر غیر از این بود باز تکرار می‌کنم در کشورهای متمدن به این فن شریف اهمیت نمی‌داند... چنان که امروز می‌بینیم، کشورهای متمدن به این فکر افتاده‌اند که پرورش کودک را از راه صحیح علمی و عملی انجام دهند» (من و آموخته روش مادری، ۱۳۲۴، شماره ۴: ۱۸-۱۹). این در حالی بود که اکثریت جامعه ایران هنوز سنتی و دینی محسوب می‌شدند (Rabiei, 2019: 19). موضوعی که باعث شد تا مردم ایران یک نگرش منفی به سبک مدرنیزاسیون پهلوی داشته باشند؛ بنابراین اصرار

لایه‌های مختلف جامعه بر حمایت از آداب و رسوم سنتی مهم مذهبی در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ شمسی، از پیامد مستقیم این سردرگمی بود که در مدرنیزاسیون از بالا به پایین و سواس غرب سرچشمه می‌گیرد (Mozafari, 2011: 65).

اهمیت این موضوع تا آنجاست که بی‌توجهی به ارزش‌های مسلط مذهبی و بی‌تفاوتی در قبال خواسته‌های رهبران مذهبی، آزادی و بی‌بندوباری زیاده از حد، رواج فساد و فحشا و عدم مراعات عفت عمومی، باعث ایجاد نارضایتی اجتماعی شده بود (محمدی، ۱۳۶۵: ۸۱) که زمینه‌های وقوع انقلاب اسلامی را فراهم کرد.

۲. تبعیض جنسیتی و مغایرت میان نظر و عمل در رابطه با زنان

موقعیت زنان در نظام اقتصادی ایران در نتیجه رشد دهه آخر نظام شاهنشاهی به نحو قابل ملاحظه‌ای تغییر کرده است؛ اما این تغییرات به گونه‌ای بوده است که زنان را به عنوان یک عامل تابع وارد حیات اقتصادی نموده به نحوی که به جز در مورد یک اقلیت مشخص، دستمزد آن‌ها کمتر و سطح مهارتشان پایین‌تر از مردان است و اغلب ساعات طولانی‌تری کار می‌کنند. بنا به آمار رسمی در ۱۳۵۱، در حدود ۱۳ درصد زنان بالای ۱۲ سال شاغل بوده‌اند، رقم مشابه در مورد مردان ۶۸ درصد بوده است (کار، ۱۳۸۴: ۱۰۴).

قوانین کار ممکن است به عنوان یک تلاش دیگر از سوی دولت علیه مخالفان مذهبی، با تشویق زنان برای پیوستن به نیروی کار تلقی شود. قوانین کار به معنای توانمندسازی زنان بود، اما کنترل کمتر روحانیون در مورد کار زنان و حبس آن‌ها در خانه را به دنبال داشت. با این وجود، بسیاری از این قوانین در تئوری و عمل، متناقض باقی ماندند. به طوری که، بسیاری از زنان با تجربیات استثمار در محل کار مواجه می‌شدند؛ بنابراین اقدامات جدید کارگری، انقیاد طبقاتی کارگران زن را تقویت کرد و تعصب جنسیتی قانونی و سلطه مرد را تقویت کرد (Sedghi, 2007: 145).

همچنین در کارخانه‌ها در حد گسترده‌ای کارگران زن مورد سوءاستفاده جنسی سرکارگران قرار می‌گرفتند، این موضوع به قدری شدت گرفته بود که «دختران، حاضر به کار در کارخانه‌ها نبودند، چون به «دختران کارخانه‌ای» معروف می‌شدند». به طور کل، وضعیت پدرمآبی و تبعیض جنسی در جامعه ایرانی متداول بود و همین‌ها موجب شد تا شرایط زندگی زنان با محدودیت‌هایی همراه باشد (فوران، ۱۳۸۶: ۵۰۳).

به طور کلی توزیع شغلی در بخش‌های سه گانه صنعت، کشاورزی و خدمات در سال ۱۳۵۱ شمسی حاوی نکات مثبت و امیدبخشی نیست؛ زیرا ۶۵ درصد زنان شاغل در صنعت ۲۴ درصد زنان شاغل در خدمات و ۱۱ درصد زنان شاغل در کشاورزی به کار اشتغال دارند. در خدمات

نرخ فعالیت زنان نسبت به مردان بسیار ناچیز است از هر ۱۰ پزشک یک زن از هر ۱۲۰۰ مهندس فقط یک زن از هر ۱۹۰۰ نفر حقوق دان فقط ۳۱۶ نفر زن هستند. در بخش اداری از مجموع ۴۴۲۲ شغل عالی فقط ۲۸۸ پست یعنی کمتر از در اختیار زنان است (کار، ۱۳۸۴: ۱۰۲).

تا آنجا که به دستمزدهای پایین زنان مربوط می شود، این دستمزدها بسته به نوع کار و سن کارگر تا حدودی متفاوت بود که اغلب با تبعیض همراه بود. یکی از تحقیقات سراسری در مورد دستمزد زنان صنعتی در ۱۳ کارخانه بزرگ (بیش از ۵۰۰ کارگر) و کارگاه های کوچک تر (برخی از آنها خصوصی بودند) نشان داد که بیشتر زنان ۱۰۰ تا ۱۵۰ ریال [۲۰-۱۳ دلار] در روز حقوق دریافت می کردند که مطلقاً کمتر از همکاران مرد آنها بود، در واقع، یکی دیگر از نابرابری های اجتماعی، تبعیض دستمزدی، به ویژه در رابطه با حقوق شوهرانشان بود که بر خصومت برخی زنان نسبت به کار تأکید شده است.

تقریباً ۱۰ درصد حدود ۵۰۰۰ ریال [۷ دلار] درآمد داشتند، ۸۲ درصد، ۵۰۰۰-۲۰۰۰۰ ریال [۷-۲۷ دلار] و بقیه ماهیانه ۲۰،۰۰۰-۳۰،۰۰۰ ریال [۴۰-۲۷ دلار] درآمد کسب می کردند. در مقابل، ۶ درصد از شوهرانشان ۵۰۰۰ ریال [۷،۰۰۰ دلار] درآمد داشتند، ۵۰ درصد درآمد ۵۰۰۰-۲۰۰۰۰ ریال [۷-۲۷ دلار] و بقیه ۲۰۰۰۰-۳۰۰۰۰ ریال [۴۰-۲۷ دلار] ماهانه درآمد داشتند (Sedghi, 2007: 115-124).

در دانشگاه ها، تفکیک جنسیتی به ضرر زنان رایج تر بود، زیرا آنها عموماً پست ترین و کم ترین کننده ترین موقعیت ها را به زنان ارائه می کردند. در یک نظرسنجی از ۷ دانشگاه، تقریباً تمام پست های اداری برتر، از جمله رؤسا و معاونان آنها، رؤسای دانشکده و دستیاران آنها در اختیار مردان قرار داشت. در مطالعه ای از نظام مدارس دولتی در سراسر ایران، زنان ۳۳۹۴ یا ۱۶،۵ درصد از کل پست های اداری را در اختیار داشته اند، در حالی که مردان دارای ۱۷۲۱۴ پست یا ۸۳،۵ درصد بوده اند.

به طور کلی، نمایندگی زنان در ادارات دانشگاه ها ناچیز بود، در حالی که جایگاه آنها در سمت های آموزشی کمتر معتبر نسبتاً بیشتر از مردان بوده است (Sedghi, 2007: 122). علاوه بر این با بالا رفتن نسبی سطح آگاهی زنان نسبت به مسائل حقوقی قضایی، انتظامی و مالی، زنان، از نهادهایی مانند مجلس شورای ملی، درخواست حل مشکلات آنان را داشتند. به عنوان نمونه، زنی از مردی شکایت کرده که زمین او را تصرف کرده و از مجلس می خواهد که اجازه ندهند یک مرد برخلاف مقررات حق او را غصب کند (کمام: ۱۶/۱۱۲۳۵/۱/۲۷۳). همچنین از آنجایی که خصوصیات بارز زنان ایرانی، وقف زندگی خود برای آسایش همسر و فرزند

خویش است و اگر سرپرست خانواده نیز باشند این خصوصیت پررنگ‌تر می‌شود، در عریضه‌ای مادر خانواده جهت تأمین مالی برای ادامه تحصیل فرزندانش دچار مشکل شده و از مجلس کمک خواسته است (کمام: ۱۵/۸۸/۱۵/۹/۵۰)، اما به‌علت عدم توفیق در تقاضاهای موردنظر، نسبت به این نهادها احساس ناامیدی می‌نمودند.

براین اساس، می‌توان گفت که زنان بر این باور بوده‌اند که هیچ شرایطی برای تلاش و رقابت به منظور رسیدن به جایگاه‌های بالا و ارتقا وجود ندارد. به نظر می‌رسد، دلیل این موضوع به شرایط ناسالم و غیرصادقانه بودن محل کار و تبعیض و نابرابری اجتماعی-اقتصادی میان مردان و زنان و به طور کل مردسالاری مربوط می‌شود که باعث احساس محرومیت نسبی شده بود.

۳. نوسازی سطحی و عدم توجه به لایه‌های پایین جامعه

در زمان سلطنت محمدرضا پهلوی، ایران تلاش کرد کشوری را که در طی قرون متمادی به طور فزاینده‌ای درگیر سنت‌های خود شده است، نابهنگام مدرن کند. با این حال، نوسازی سطحی و سودمند، فقط لایه‌های بالای جامعه ایران را دربرگرفته بود و همان لایه‌های مدرن، به ستون اصلی اپوزیسیون علیه رژیم شاه تبدیل شدند. بسیاری از آن افراد برای حمایت از انقلاب اقدام کردند، اما بدون حمایت توده‌های سنتی موفق نمی‌شدند (Włoddek-biernat, 2010: 505).

برای شاه موقعیت زن در جامعه، درحالی که تعادل را به‌طور کامل در جامعه ایران برهم نزند، مهم‌تر از برابری زنان بود. در مصاحبه با روزنامه‌نگار ایتالیایی، اوریانا فالاچی، محمدرضا شاه به‌صراحت در مورد دیدگاه خود در مورد زنان صحبت کرد و اعتقاد داشت:

زنان تنها در صورتی در زندگی یک مرد مهم هستند که زیبا و جذاب باشند و از چگونگی زنانه ماندن آگاه باشند. شما از نظر قانون مساوی هستید؛ اما نه در توانایی... شما هرگز در تاریخ یک میکلا آنتز تولید نکردید یا شما هرگز حتی به یک سرآشپز بزرگ تبدیل نشده‌اید... آیا تا به حال با کمبود فرصت مواجه بوده‌اید، جهت این که به سرآشپز بزرگ در تاریخ تبدیل شوید. شما هیچ چیز عالی تولید نکردید، هیچ چیز!... وقتی [زنان] حکومت می‌کنند، آن‌ها بسیار خشن‌تر از مردان هستند. خیلی بی‌رحم‌تر، خیلی بیشتر تشنه به خون... [زنان] مکار هستند، [آن‌ها] شرورند. همه شما [زنان] (Brooks, 2008: 55).

همچنین، شاه در کتاب *مأموریت برای وطن* می‌نویسد:

کسانی که تبلیغ می‌کنند. مسائل برابری زن و مرد پیچیده است. این افراد از طریق تبلیغات قصد پیشبرد برنامه‌های خود را دارند. من فقط با آنچه فرانسوی‌ها می‌گویند، «زنده‌باد تفاوت» موافقم (Moghaddam, 2019: 59).

برای شاه، زنان هرگز برابری را که علی‌رغم تلاش شاه براساس قانون، به دست نمی‌آورند. این امر تناقضات موجود در اقدامات محمدرضا شاه را برجسته می‌کند. در واقع، استفاده از زنان برای گرفتن قدرت از علما و جلب احترام قدرت‌های غربی، علی‌رغم برخی مزایای عینی برای زنان ایرانی، مبین اصلاحات سطحی بود (Brooks, 2008: 55). در واقع، این حمایت به‌منظور تقویت و تحکیم قدرت و ساخت آن به‌منظور ارائه تصویری خاص به دنیای بیرون شده است. برای مثال و به استناد اسناد، زنان خرده‌مالک، مقارن با تصویب قانون اصلاحات ارضی در زمستان ۱۳۴۱ شمسی، در مقابل منزل آیت‌الله بهبهانی که میزبان نخست‌وزیر - اسدالله اعلم - بود، دست به تجمعی اعتراض‌آمیز زدند (مراسان، ۱-۱۶۵۴: برگ ۱). اهمیت این موضوع تا آنجا بود که در مرحله دوم و سوم اصلاحات ارضی، مالکان زن طی دادخواست‌ها و عریضه‌های متعددی به مجلس شورای ملی، خواستار توجه به حقوق زنان شدند (کمام، ۴۳۰۲۸: برگ ۱ و ۳۳۰۲۷: برگ ۴).

از دیگر مصادیق سطحی بودن مدرنیزاسیون شاه، عدم توجه به تحول بنیادین فرهنگی، از جمله آموزش مردان در جامعه بود. محمدرضا شاه بر تغییر شرایط برای زنان تمرکز کرد، اما از این واقعیت غفلت کرد که بسیاری از مردان، اعم از تحصیل‌کرده و روشنفکر، هنوز از طرز فکر سنتی پدرانشان که زنان را از حقوق مدنی خود محروم می‌کردند، پیروی می‌کردند. علاوه بر این، حتی در محیط‌های آموزشی و در کتاب‌های درسی به نسل‌های جدید، راه‌های ساختاری نقش مادری همیشه برجسته بود. تعداد بسیار کمی از مردانی که در چنین نظامی بزرگ شده‌اند، می‌توانند واقعاً به برابری مردان و زنان اعتقاد داشته باشند (Moghaddam, 2019: 61). این در حالی است که گفتمان مسلط توسط زنان به‌گونه‌ای دیگر تعریف می‌شد. تا آنجا که صدیقه دولت‌آبادی، حقوق زنان را در گرو انجام تکلیفشان پیوند داده است. وی اعتقاد دارد: «به نظر من حق و تکلیف از یکدیگر جداشدنی نیستند، یعنی هر جا حق است تکلیفی هم هست و نظام اجتماعی قائم به همین ملازمه بین حق و تکلیف است و از این جهت زن‌ها وقتی به حق خود می‌رسند که به تکلیف خود عمل نمایند (زبان زنان: ۱۳۲۱، شماره اول: ۱۰).

به‌طوری‌که احترام و موقعیت اجتماعی زنان هنوز به زندگی مردان آن‌ها گره خورده بود. علاوه بر این، اگر چه زنان ورود به بازار کار را آغاز کرده بودند، اکثر آن‌ها از نظر اقتصادی

مستقل از هم‌تایان مرد خود نبودند. در نتیجه، بسیاری از زنان ایرانی در خانواده‌های فقیرتر از منفعت تغییرات اقتصادی محروم شدند. اصلاحات شاه در یک جامعه محافظه‌کار مذهبی، با خشونت اجرا شد. اکثریت زنان عمدتاً از وعده‌های انقلاب سفید بهره‌ای نبردند. آن‌ها کمبود عاملیت در مسائل طلاق، حضانت فرزند و چندهمسری، علی‌رغم زندگی در دوران مدرنیزاسیون انقلاب سفید را تجربه کردند (Abercrombie, 2019: 18).

اعتقاد به این استراتژی که عموماً از آن به‌عنوان «انقلاب سفید» یاد می‌شود، نسخه‌ای اصلاح‌شده از سیاست‌های پیشین پدرش بوده است؛ از این‌رو، زنان نیز خارج از چارچوب اصلاحات گسترده‌تر او قرار نداشتند و بخشی از برنامه‌های تحول‌آفرین وی محسوب می‌شدند (Mir and Khaki, 2015: 76). موضوعی که سبب گردید تا محمدرضا شاه در دوران زمامداری خود، بر اصلاحات سطحی و سرکوب سیاسی و اجتماعی تمرکز کند و به عرصه‌ای برای برجیده‌شدن نظام پهلوی و آغاز دوران نوین اسلامی برای ایران تعین پیدا کرد.

۴. ساخت متمرکز قدرت سیاسی و عدم مشارکت آزادانه زنان

اعتقاد بر آن است که محمدرضا شاه، حکومت را به‌صورت «پدرسالاری متمرکز» اداره می‌کرد. این موضوع به طرز چشمگیری جنبش‌های زنان را تحت‌تأثیر قرار داد (Mottaghi, 2015: 14). به‌طوری که با ورود دلارهای نفتی، وی بدون مشاوره با سازمان برنامه‌وبودجه، دست به بازننگری در برنامه پنج‌توسعه زد که به افزایش تورم، مهاجرت روستاییان به شهرها، کمبود مسکن و افزایش واردات منجر شد (وحیدی راد، ۱۳۹۸: ۲۰۳). به‌گفته نیک‌پی، شهردار سابق تهران در دوران سلطنت پهلوی، شاه شخصاً اکثر تصمیمات اقتصادی و سیاسی را بدون این که به کسی پاسخگو باشد، اتخاذ می‌کرد. در واقع شاه، با تکیه بر درآمدهای عظیم نفتی که در دهه ۵۰ چندین برابر شد و تقاضای او برای حمایت طبقاتی و درآمدهای مالیاتی کاهش یافته بود، تنها آغازگر سیاست اقتصادی و تنها قاضی سیاست کشور بوده است (Rabiei, 2019: 18).

به‌طور خاص، سازمان‌ها و انجمن‌های زنانه اغلب غیرسیاسی و حداکثر اجتماعی بودند. اعضای آن‌ها بسیار محدود و رؤسای آن‌ها غالباً از نزدیکان حکومت و دربار بودند و بدون حمایت دربار و دولت عملاً هیچ سازمانی تأسیس نمی‌شد و اگر هم به وجود می‌آمد فقط جنبه خیریه داشت (رهبری، ۱۳۸۴: ۱۷۸). شاه وقتی صحبت از حقوق زن می‌نمود، منظورش همان اصول سازمان زنان بود. در این رابطه او در سخنرانی‌های خود بر مسائلی از قبیل حقوق بشر، جمعیت، تنظیم خانواده، مبارزه با بی‌سوادی و فقر به‌عنوان اهداف مبارزات زنان تأکید می‌کرد،

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء(س)، سال ۳۴، شماره ۶۴، زمستان ۱۴۰۳ / ۹۳

نه بر رقابت سیاسی برای دستیابی به قدرت (رهبری، ۱۳۸۴: ۱۸۰). در این راستا، اصلاحات انتخاباتی، رژیم پهلوی را بیشتر به یک رژیم غیرمردمی و غربی گره زده بود، نه به زنان و مبارزه آن‌ها برای برابری در ایران (Brooks, 2008: 49).

ادغام نسبتاً صریح تبعیت از ایالات متحده و حق رأی زنان بخش‌های مذهبی و سنتی جامعه را خشمگین کرد. به طوری که امام خمینی شروع به موعظه علیه شاه کرد که مورد حمایت بخش قابل توجه و گسترده‌ای از جامعه شد؛ بنابراین، درحالی که انقلاب سفید حق رأی زنان را تضمین می‌داد، اما این کار را به قیمت بیگانگی تعداد زیادی از جمعیت زنان و تحکیم ارتباط میان آزادی زنان، بی‌اخلاقی و غرب‌گرایی در ذهن مردم عادی ایران انجام داد (Vogel, 2018: 8). اقداماتی که در عین مهم بودن، نمادین و دامنه آن‌ها جزئی بودند.

در ۲۰ سال آخر سلطنت پهلوی، تعداد زنان در پست‌های مدیریتی در دولت هرگز از ۲٫۸ درصد نگذشته است. در مجلس بیست و چهارم، ۳۲۳ زندانی سیاسی زن در حال گذراندن دوران محکومیت خود در زندان‌های ایران بودند. در ۷ سال آخر سلطنت پهلوی، زندگی ۴۲ چریک زن، در درگیری خیابانی با نیروهای نظامی به پایان رسید (Mahdi, 2004: 433). بدین‌سان، انقلاب سفید نه تنها مبانی ساختاری سلطنت پهلوی را تضعیف کرد، بلکه مهم‌تر از آن به بی‌ثباتی ایدئولوژیک آن نیز کمک کرد (Ansari, 2001: 2). سیاست‌ها و اقداماتی که نشان‌دهنده رویکردهای پدرسالاری محمدرضا شاه بوده است و با تنگنا قرار دادن مشارکت آزادانه قشرهای مختلف جامعه به‌ویژه زنان، موجبات پیروزی انقلاب اسلامی را فراهم کرد.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر تلاش کرد تا به ارزیابی دستاوردها و موانع دوره محمدرضا شاه، به‌ویژه بعد از انقلاب سفید در رابطه با نقش و جایگاه زنان در توسعه اقتصادی بپردازد. طبق تحلیل تاریخی، در عصر مدرنیزاسیون دهه‌های ۴۰ و ۵۰ شمسی، شاهد رشد جایگاه اجتماعی زنان در روند سریع شهرنشینی و برخی اصلاحات قانونی مثبت و قابل توجه در مورد حق رأی زنان و قانون خانواده بوده‌ایم. در بررسی این اصلاحات، امکانات و محدودیت‌هایی برای زنان تحت حکومت شاه برجسته می‌شوند. به طوری که زنان از جایگاه و فرصت‌هایی مطابق با سیاست‌های محمدرضا شاه بهره‌مند شدند. تا آنجا که در نتیجه سیاست‌ها و اقدامات دولت وقت در جامعه، جایگاه و نقش اقتصادی زنان در جامعه گسترش یافت و این قشر توانستند به فرصت‌هایی نظیر استقلال اقتصادی، تقسیم کار جنسیتی، گسترش آموزش و افزایش اشتغال و حضور در بازار کار دست پیدا کنند. یکی از کاتالیزورهایی که می‌توانست در بهبود وضعیت

اقتصادی زنان تسریع‌کننده باشد، سطوح بالای آموزش بود.

در این راستا با تبدیل زنان به نیروهای متخصص و فرهیخته در جامعه شاهد مشارکت بالای آن‌ها بیش از گذشته در بخش‌های آموزش، بهداشت و سیاست و به‌ویژه خدمات و صنعت بوده‌ایم. به‌عبارت دیگر، یکی از دستاوردهای اشتغال زنان، افزایش اعتماد به نفس آنان و داشتن استقلال اقتصادی بود. تحت این شرایط افزایش اشتغال و درآمد از نتایج این سیاست‌ها بود. با این‌همه، خط‌مشی حکومت پهلوی درباره زنان در واقع معطوف به نشان‌دادن تصویری تبلیغی از زن ایرانی مدرن بود؛ بنابراین، نه‌تنها دگرگونی شگرفی در وضع زنان ایجاد نکرد، بلکه به‌سبب همگام نبودن با نیازها و واقعیات جامعه ایران در آن عصر و ناسازگاری با باورهای فرهنگی - مذهبی زنان ایرانی، نتوانست از حمایت اکثریت آنان برخوردار شود. توجه به جنسیت در دوران پهلوی به تغییرات سیاسی در مورد وضعیت زنان منجر شد. ولی افزایش تمرکز و دیکتاتوری شاه، در نتیجه کنترل دولتی و فرایند استبدادی از بالا به پایین، منجر به فرسایش انجمن‌های خودمختار زنان شد.

در این رابطه، کنش زنان ایرانی در چارچوب یک گفتمان سکولار متخاصم با سنت‌ها و ارزش‌های مسلط جامعه ساخته شده بود. جامعه‌ای که با تلاش محمدرضا شاه، موجبات گره‌زدن آزادی زنان به برنامه مدرنیزاسیون و غرب‌گرایی و به‌طور خاص، انقلاب سفید را فراهم کرد و به عرصه‌ای برای آزادی زنان به‌عنوان ابزاری برای غربی‌شدن بیشتر جامعه تعیین یافت؛ بنابراین، در نوعی چرخه خود تداوم‌بخش، کنش سیاسی آزادی‌بخش در دوران پهلوی نتوانست برابری مشروع ایجاد کند، زیرا در ارتباط نزدیک با غرب بود و در عین حال در خدمت پیشبرد مفهوم آزادی به‌مثابه مفسده، غیراخلاقی و غربی قرار گرفت. اگرچه به زنان حق رأی اعطا شد، ولی با توجه به این که آن‌ها در جامعه‌ای زندگی می‌کردند که حقوق اولیه و آزادی بشر را رد می‌کرد و شهروندان خود را از فرایندهای تصمیم‌گیری محروم کرد. امید به تغییرات خاص در وضعیت اقتصادی، حقوقی و سیاسی زنان، به دلیل سطحی بودن، صدق کردن بر بخش کوچکی از جامعه، ناهمخوانی شرایط اشتغال در آنچه در قوانین کار وجود داشت و آنچه در عمل اتفاق افتاد و عدم مشارکت آزادانه سیاسی، در نهایت با انقلاب اسلامی همراه شد.

منابع

اختر شیری، سید محمود (۱۳۹۸). «بررسی جامعه‌شناختی - تاریخی امنیت زن در اجتماع و عوامل تأثیرگذار بر آن». *مطالعات جامعه‌شناختی*. ۲۶(۲). ۱۷۰-۱۵۳.

doi: 10.22059/jsr.2020.75862

آبراهامیان، پرواند (۱۳۸۷). *ایران بین دو انقلاب*. ترجمه احمد گل محمدی و محمد ابراهیم فتحی. تهران: نشر نی.

رهبری، مهدی (۱۳۸۴). *جامعه‌شناسی سیاسی انقلاب اسلامی ایران*. بابلسر: دانشگاه مازندران.
سید محمود سادات؛ عامری، فرزانه (۱۳۹۷). «تحلیل مطالبات زنان تهران در دوره پهلوی دوم (۱۳۲۰-۱۳۳۲)؛ براساس عرایض مجلس شورای ملی». *تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری*. ۲۸(۲۱). ۱۰۵-۷۷.

doi: 10.22051/hph.2018.18648.1182

صمیمی، مینو (۱۳۷۲). *پشت پرده تخت طاووس*. ترجمه حسین ابوترابیان. چاپ ۶. تهران: اطلاعات.
فوران، جان (۱۳۸۶). *مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران*. ترجمه احمد تدین. تهران: رسا.
کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۷۲). *اقتصاد سیاسی ایران: از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی*. تهران: نشر مرکز.

کار، مهرانگیز (۱۳۸۴). *زنان در بازار کار ایران به انضمام: تئوری‌های نابرابری جنسیتی*. ترجمه پروین ریسی‌فرد. تهران: روشنگران و مطالعات زنان.

کرونین، استفان (۱۳۸۳). *رضاشاه و شکل‌گیری ایران نوین، دولت و جامعه در دوران رضاشاه*. ترجمه مرتضی ثاقب‌فر. تهران: جامی.

محمدی، منوچهر (۱۳۶۵). *تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران*. تهران: امیرکبیر.
وحیدی راد، میکائیل (۱۳۹۸). «پیوستگی اقتصادی-سیاسی رویدادهای فرهنگی در عصر پهلوی دوم (جشن‌های ۲۵۰۰ ساله)». *تاریخ اسلام و ایران*. ۲۹(۴۳). ۱۹۷-۱۷۳.

doi: 10.22051/hii.2019.22689.1815

اسناد

کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی (کمام): ۴۳۰۲۸.

مرکز اسناد انقلاب اسلامی (مراسان): ۱-۱۶۵۴.

روزنامه‌ها

اطلاعات بانوان (۱۳۳۷). شماره ۷۵

روزنامه باختر (۱۳۲۰)، شماره ۵۹۱.

Abercrombie, Kayla (2019). *writing women's experiences: twelve memoirs of life in iran and abroad since the 1940s*. Thesis. Georgia State University.

Abrahamian, Ervand (2008). *A History of Modern Iran*, New York: Cambridge University Press.

Ansari, Ali M. (2001). *The Myth of the White Revolution: Mohammad Reza Shah*,

- 'Modernization' and the Consolidation of Power. Middle Eastern Studies. 37:3.
- Bakhshizadeh, Marziyeh (2018). Women's Rights in Iran and CEDAW: a Comparison, Budrich UniPress.
- Brooks, Caroline M., "Moments of Strength: Iranian Women's Rights and the 1979 Revolution" (2008). Honors Theses. Paper 292.
<https://digitalcommons.colby.edu/honorstheses/292>.
- Farzaneh, Delaram (2014). One Step Forward, Two Steps Back: A Brief History of Legal Discriminations Against Women in Iran and the Violations of International Human Rights. Vol. 20 , Iss. 1.
- Kia, Mana (2005). Negotiating Women's Rights: Activism, Class, and Modernization in Pahlavi Iran, Comparative Studies of South Asia, Africa and the Middle East. Vol. 25, No. 1, Duke University Press.
- Mahdi, Ali akbar (2004). The Iranian Women's Movement: A Century Long Struggle., Iranian Women's Movement The Muslim World. Volume 94.
- Mir, Gousia and Khaki. G. N. (2015). Globalization and Post-Islamic Revolution: A Changing Iranian Woman, Journal of Globalization Studies. Vol. 6, No. 1.
- Moghaddam, Rezvan (2019). Struggle for Equality From the Constitutional Revolution to Cyberfeminism with a Focus on the Role of New Media in the Women's Movement in Iran. the Department of Political and Social Sciences of Freie Universität Berlin.
- Mottaghi, Somayyeh (2015). The Historical Relationship between Women's Education and Women's Activism in Iran. Asian Women. Vol.31, No.1.
- Mozafari, Parmis (2011). Negotiating a Position: Women Musicians and Dancers in Post-Revolution Iran. The University of Leeds.
- Rabiei, Kamran (2019). Social Policy Under Sociopolitical Changes in the Post-revolutionary Iran. 1979–2013. Contemporary Review of the Middle East 6(1).
- Rahbari, Ladan (2016). Women in Higher Education and Academia in Iran. Sociology and Anthropology 4(11).
- Sadeghi, Fatemeh (2010). Bypassing Islamism and Feminism: Women's Resistance and Rebellion in Post-revolutionary Iran. remmm 128.
- Sedghi, Hamideh (2007). Women and Politics in Iran. CAMBRIDGE UNIVERSITY PRESS.
- Taheri, Elham and et al. (2021). Female Labour Force Participation: What Prevents Sustainable Development Goals from Being Realised in Iran?, Sustainability. 13, no. 21: 11918.
- Tohidi, Nayereh (2016). women's rights and feminist movements in iran. International Journal on Human Rights, Issue 24.
- Vogel, Andre (2018). The Source of Change Within Society: A Brief Survey of Modern Iranian Women's Movements." Undergraduate Journal of Global Citizenship: Vol. 2 : Iss. 4.
- Włodek-biernat, ludwika (2010). Iranian Women. Quest for Freedom and Equality. Polish Sociological Review. No. 172.

List of sources with English handwriting

- Abercrombie, Kayla (2019). writing women's experiences: twelve memoirs of life in iran and abroad since the 1940s. Thesis. Georgia State University.
- Abrahamian, Ervand (2008). A History of Modern Iran, New York: Cambridge University Press.
- Abrahamian, Ervand. (2008). Iran Between Two Revolutions. Translated by Ahmad Golmohammadi and Mohammad Ebrahim Fattahi. Tehran: Ney Publishing [In Persian].
- Akhtar Shiri, Seyed Mahmoud. (2019). A Socio-Historical Study of Women's Security in Society and Its Influencing Factors. Sociological Studies, Issue 55 [In Persian].
- Ansari, Ali M. (2001). The Myth of the White Revolution: Mohammad Reza Shah, 'Modernization' and the Consolidation of Power. Middle Eastern Studies. 37:3.
- Bakshizadeh, Marziyeh (2018). Women's Rights in Iran and CEDAW: a Comparison, Budrich UniPress.
- Bāktar Newspaper (1941). No. 591 [In Persian].
- Brooks, Caroline M., "Moments of Strength: Iranian Women's Rights and the 1979 Revolution" (2008). Honors Theses. Paper 292.
<https://digitalcommons.colby.edu/honorsthesis/292>.
- Cronin, Stephanie. (2004). Reza Shah and the Formation of Modern Iran: State and Society During the Reza Shah Period. Translated by Morteza Saqebfar. Tehran: Jami Publishing [In Persian].
- Eṭṭelā'āt-e Bānovān (1958). No. 75, 24th of Shahrivar, 1337 [September 15, 1958] [In Persian].
- Farzaneh, Delaram (2014). One Step Forward, Two Steps Back: A Brief History of Legal Discriminations Against Women in Iran and the Violations of International Human Rights. Vol. 20, Iss. 1.
- Foran, John. (2007). Fragile Resistance: A History of Social Transformations in Iran. Translated by Ahmad Tadayon. Tehran: Rasā Publishing [In Persian].
- Islamic Revolution Document Center (IRDC): Archive No. 1-1654 [In Persian].
- Kar, Mehrangiz. (2005). Women in Iran's Labor Market, with an Appendix on Theories of Gender Inequality. Translated by Parvin Reisi-Fard. Tehran: Roshangarān and Women's Studies Publishing [In Persian].
- Katouzian, Mohammad Ali. (1993). The Political Economy of Iran: From Constitutionalism to the End of the Pahlavi Dynasty. Tehran: Markaz Publishing [In Persian].
- Kia, Mana (2005). Negotiating Women's Rights: Activism, Class, and Modernization in Pahlavi Iran, Comparative Studies of South Asia, Africa and the Middle East. Vol. 25, No. 1, Duke University Press.
- Library, Museum and Document Center of the Islamic Consultative Assembly: Archive No. 43028 [In Persian].
- Mahdi, Ali Akbar (2004). The Iranian Women's Movement: A Century Long Struggle., Iranian Women's Movement The Muslim World. Volume 94.
- Mir, Gousia and Khaki. G. N. (2015). Globalization and Post-Islamic Revolution: A Changing Iranian Woman, Journal of Globalization Studies. Vol. 6, No. 1.
- Moghaddam, Rezvan (2019). Struggle for Equality From the Constitutional Revolution to Cyberfeminism with a Focus on the Role of New Media in the Women's Movement in Iran. the Department of Political and Social Sciences of Freie Universität Berlin.
- Mohammadi, Manouchehr. (1986). An Analysis of the Islamic Revolution of Iran. Tehran: Amīr Kabīr Publishing [In Persian].
- Mottaghi, Somayyeh (2015). The Historical Relationship between Women's Education and Women's Activism in Iran. Asian Women. Vol.31, No.1.
- Mozafari, Parnis (2011). Negotiating a Position: Women Musicians and Dancers in Post-Revolution Iran. The University of Leeds.
- Rabiei, Kamran (2019). Social Policy Under Sociopolitical Changes in the Post-revolutionary Iran. 1979–2013. Contemporary Review of the Middle East 6(1).
- Rahbari, Ladan (2016). Women in Higher Education and Academia in Iran. Sociology and

- Anthropology 4(11).
- Rahbari, Mehdi. (2005). Political Sociology of the Islamic Revolution of Iran. Babolsar: University of Mazandaran [In Persian].
- Sadeghi, Fatemeh (2010). Bypassing Islamism and Feminism: Women's Resistance and Rebellion in Post-revolutionary Iran. *remmm* 128.
- Samimi, Mino. (1993). Behind the Peacock Throne. Translated by Hossein Abutorabian. Tehran: Ettela'at Publishing, 6th edition [In Persian].
- Sedghi, Hamideh (2007). Women and Politics in Iran. CAMBRIDGE UNIVERSITY PRESS.
- Seyed Mahmoud Sadat & Farzaneh Ameri. (Spring and Summer 2018). An Analysis of the Demands of Women in Tehran During the Second Pahlavi Period (1941–1953), Based on the Petitions to the National Consultative Assembly. *Journal of Historiography and Historiology*, Vol. 28, No. 21 [In Persian].
- Taheri, Elham and et al. (2021). Female Labor Force Participation: What Prevents Sustainable Development Goals from Being Realized in Iran?, *Sustainability*. 13, no. 21: 11918.
- Tohidi, Nayereh (2016). women's rights and feminist movements in Iran. *International Journal on Human Rights*, Issue 24.
- Vahidi Rad, Mikaeil. (2019). The Economic-Political Continuity of Cultural Events in the Second Pahlavi Era (The 2500-Year Celebrations). *Islam and Iran History*, No. 43 [In Persian].
- Vogel, Andre (2018). The Source of Change Within Society: A Brief Survey of Modern Iranian Women's Movements." *Undergraduate Journal of Global Citizenship*: Vol. 2: Iss. 4.
- Włodek-biernat, ludwika (2010). Iranian Women. Quest for Freedom and Equality. *Polish Sociological Review*. No. 172.



©2025 Alzahra University, Tehran, Iran. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC-ND 4.0 license) (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

The Achievements and Obstacles in the Status and Role of Women in the Economic Development of Mohammad Reza Shah Pahlavi's Era¹

Zahra Zargari², Morteza Dehghannejad³, Ali Akbar Kojbaf⁴

Received: 2024/11/10
Accepted: 2025/04/10

Abstract

Throughout history, women have been a driving force behind numerous changes in the political, social, economic, and cultural spheres. In this context, during the reign of Mohammad Reza Shah (the second Pahlavi period), the actions and policies of the government were both beneficial and detrimental to the role and status of women. From this perspective, the present article adopts a descriptive-analytical approach to address the question: What were the achievements and obstacles in terms of women's role and status in economic development during the era of Mohammad Reza Shah, especially after the White Revolution? The findings of the research indicate the following: first, Mohammad Reza Shah made efforts to increase women's participation in the economic field through his modernization policies. Secondly, the modernization initiatives of the Pahlavi regime enabled women to make significant progress - especially in terms of economic growth and development. This progress was reflected in the economic independence of women, increased access to education and improved employment opportunities. Thirdly, it is demonstrated that Mohammad Reza Shah's centralized and patriarchal style of governance had a negative impact on the social role and status of women. Factors such as the promotion of a Western lifestyle, disregard for traditional and dominant social values, gender discrimination, a gap between rhetoric and practice regarding women, superficial modernization, neglect of the lower classes of society, and a centralized political power structure led to widespread dissatisfaction among women. This dissatisfaction eventually became one of the driving forces behind the Islamic Revolution.

Keywords: Mohammad Reza Shah, Women, Modernization, Achievements and Obstacles, Economic Development.

1. DOI: 10.22051/hii.2025.48673.2979

2. PhD Student, Department of History, Faculty of Literature, University of Isfahan, Isfahan, Iran. ziba.zargari71@gmail.com

3. Professor, Department of History, Faculty of Literature, University of Isfahan, Isfahan, Iran (Corresponding Author) m.dehghan8@ltr.ui.ac.ir

4. Professor, Department of History, Faculty of Literature, University of Isfahan, Isfahan, Iran. kajbaf@ltr.ui.ac.ir

Print ISSN: 2008-885X/Online ISSN:2538-3493